

Original Paper **A Role-Based Reading of the Narrative Structure of Sepideh Kashani's Allegorical Poems Based on Franco-Functionalism**

Farideh Khajehpour^{1*}, Narges Kosiyai²

Abstract

The Systemic Functional Linguistics (SFL) theory, by examining the sentence structure, explains the different types of processes and their function in the discourse and semantic body of the sentence. This research tries to answer the main question that in the textual structure of Sepideh Kashani's allegorical poems, which of the linguistic processes have more dominance, and this female poet has used which semantic domains to name people and concepts in order to represent her idea in the form of allegory? The purpose of this research is to examine the allegorical poems of the field of resistance literature based on one of the new approaches of linguistics in the collection of Sepideh Kashani's poems. The findings show that among the six linguistic processes in her poetry, the highest frequency belongs to the processes of "relational" and "material". Considering that her poetry has taken shape in the context of educational-motivational discourse, she first describes and communicates her idea and then, in order to encourage and excite the audience, uses material and action processes that strengthen the spirit of commitment in the audience. Considering that Sepideh tried to make concepts such as "defense" and "martyrdom" tangible, she avoided the use of mental and abstract processes. In her poems, sometimes tangible concepts and sometimes abstract concepts are responsible for conveying the idea of resistance and defense of the homeland. The naming method in her poetry has also taken the form of natural elements such as flowers "tulip, poppy, red rose" and colors "red, green". The necessity of doing this research can be found primarily in the importance of the literary genre of sacred defense, which poets such as Sepideh Kashani, with their own special style, played a significant role in shaping this literary genre. On the other hand, Franco-Functionalism provides researchers with a tool to be able to trace the worldview governing the work and ultimately the social, cultural and political conditions of a particular historical period from the depths of the text's texture.

Key words: Allegory, Sacred Defense Poetry, Functionalism Approach, Franco-Functionalism, Sepideh Kashani.

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

Please cite this article as (APA): Khajehpour, Farideh, Kosiyai, Narges. (2024). A role-oriented reading of the narrative structure of Sepideh Kashani's poetic parables based on the trans-role of thought "based on the poems of the literature of stability and sacred defense". *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(61), 1-26.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 61/ Autumn 2024

Receive Date: 24-05-2024

Accept Date: 30-07-2024

First Publish Date: 17-10-2024

مقاله پژوهشی
خوانشی نقشگرایانه از ساختار روایی تمثیل‌های شعری
سپیده کاشانی بر مبنای فرانش اندیشگانی «با تکیه بر اشعار حوزه ادبیات پایداری و دفاع مقدس»

فریده خواجه‌پور^{۱*}، نرگس کوسبایی^۲



چکیده

تمثیل شامل چیزی گنگ، ناشناخته و پنهان از ماست که در نقد سبک‌شناسانه یک اثر به عنوان رمزگان از آن یاد می‌شود و حتی می‌تواند سبک یک نویسنده را در بر گیرد. نظریه نقشگرای نظام‌مند، با بررسی ساختار جمله، انواع متفاوت فرایندها و کارکرد آن در پیکره گفتمانی و معنایی جمله را تبیین می‌کند. پژوهش حاضر تلاش می‌کند به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش اصلی پاسخ دهد که در ساختار متنی تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی کدام یک از فرایندهای زبانی غلبه بیشتری دارند و این بانوی شاعر برای بازنمایی اندیشه خود در قالب تمثیل، نسبت به نامدهی اشخاص و مفاهیم از کدام حوزه‌های معنایی استفاده کرده است؟ هدف این پژوهش، بررسی تمثیل‌های شعری حوزه دفاع مقدس در مجموعه اشعار سپیده کاشانی است. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در ساختار تمثیل‌های شعری وی از میان فرایندهای ۶ گانه زبان، بیشترین بسامد متعلق به فرایندهای «رابطه‌ای» و «مادی» است. با توجه به این که تمثیل‌های شعری وی در بستر گفتمان تعلیمی-ترغیبی شکل گرفته، ابتدا به توصیف و ابلاغ اندیشه خود پرداخته و سپس با هدف ترغیب و تهییج مخاطبان، از فرایندهای مادی و کنشی که روحیه تعهد را در مخاطب تقویت می‌کند، بهره گرفته است. با توجه به این که سپیده سعی در ملموس ساختن مفاهیمی مانند «دفاع» و «شهادت» داشته، از کاربرد فرایندهای ذهنی و انتزاعی اجتناب کرده است. در اشعار وی گاه مفاهیم ملموس و گاه مفاهیم انتزاعی وظیفه انتقال اندیشه پایداری و دفاع از وطن را بر عهده دارند. شیوه نامدهی نیز در شعر وی در قالب عناصر طبیعی مانند گل‌ها، لاله، شقایق، گل سرخ و رنگ‌ها، سرخ، سبز شکل گرفته است. ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان در اهمیت نوع ادبی دفاع مقدس جست‌وجو کرد که شاعرانی از جمله سپیده کاشانی در شکل‌گیری این نوع ادبی نقش به‌سزایی داشتند. از سوی دیگر نیز فرانش اندیشگانی ابزاری را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که بتوانند از لابه‌لای بافت متن به جهان‌بینی حاکم بر اثر پی ببرند.

واژگان کلیدی: تمثیل، شعر دفاع مقدس، رویکرد نقشگرای، فرانش اندیشگانی، سپیده کاشانی.

۱. استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
۲. استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

لطفاً به این مقاله استناد کنید: خواجه‌پور، فریده، کوسبایی، نرگس. (۱۴۰۳). خوانشی نقشگرایانه از ساختار روایی تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی بر مبنای فرانش اندیشگانی «با تکیه بر اشعار حوزه ادبیات پایداری و دفاع مقدس». *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. ۱۶(۶۱)، ۱-۲۶.

 حق مؤلف © نویسنده‌گان.		ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و یکم / پاییز ۱۴۰۳ / از صفحه ۱-۲۶.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۶

۱- مقدمه

این پژوهش به تحلیل گفتمانی و ایدئولوژیکی ساختار روایی تمثیل‌های شعری دفاع مقدس در مجموعه اشعار سپیده کاشانی پرداخته است. مطالعه بافت متنی اشعار سپیده کاشانی نشان می‌دهد که زمینه‌های کاربرد «تمثیل» در شعر وی عبارت‌اند از: «تعیین و تغییر الگوهای اخلاقی و ارائه الگوهای جایگزین؛ خلق تداعی‌های قدرتمند در ذهن و ملموس و عینی‌سازی مفاهیم مرتبط با شهادت و غیره؛ تعلیم غیرمستقیم نکات اخلاقی و دینی؛ ساده‌سازی مفاهیم نامأنوس و تغییر چهارچوب معنایی یک مفهوم». با بررسی ساختار روایی تمثیل‌های به کار رفته در شعر سپیده کاشانی مشخص می‌شود که بیشترین مفهوم به کار رفته در آن‌ها مفهوم «شهادت» است. «تمثیل» و رمزهای مرتبط با مفهوم «شهادت» در شعر وی، بیانگر «عروج روح» پس از مرگ به عالم بالا و نور است. سپیده با اعتقادات مذهبی خاص خود و احساسات و عواطفی لبریز از عشق به مردم و وطن، به عنوان شاعری متفاوت پا به عرصه شعر و ادبیات گذاشت. وی در هریک از اشعارش پیامی دارد که آن را به زبان شاعرانه بیان می‌کند و برای تبیین آن کمتر از رمز و اشاره کمک می‌گیرد و انتقال پیام شعری وی به خواننده از طریق واژه‌های معمول زبان است. بطور کلی تمثیل‌های مذهبی بیشترین کاربرد را در اشعار سپیده کاشانی دارند. سپیده در موارد بسیار از اندیشه و پیام سالار شهیدان و یارانش سخن گفته و الهام گرفته است و در بیشتر موارد جبهه و جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را با قیام دشت نینوا مقایسه کرده و همانند دانسته است. استفاده از مکان‌هایی چون کربلا، مسجدالاقصی و غیره در جهت تقویت روحیه پایداری و مقاومت، که تضمین‌کننده شجاعت و دلاوری رزمندگان در برابر ستمگران است، در اشعار وی در موارد بسیار مشاهده می‌شود.

در این پژوهش، با بهره‌گیری از رویکرد زبان‌شناسی سیستمی - نقشی و از طریق تحلیل فرایندها، به تحلیل معانی انتزاعی و گفتمانی زبان این اشعار در بافت موقعیتی آن‌ها پرداخته شده است. فرایندها و کیفیت توسعه آن در متن، از آن‌جا که نقش مهمی در پردازش گفتمانی متن و ساخت اطلاعاتی آن ایفا می‌کند، در پژوهش‌های ادبی و زبان‌شناسی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. این نظریه سیستمی - کاربردی، زبان را در بافت آن و با توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی بررسی می‌کند و ساختاربندی زبان را در جهت انتقال مفاهیم انتزاعی و ایفای نقش‌های کاربردی و گفتمانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این پژوهش، از روش ترکیبی - تحلیلی، استدلالی و آماری - بهره گرفته شده است. در شعر سپیده کاشانی، تمثیل به‌طور کلی اهداف، کاربرد و انواع متفاوتی دارد. غالب تمثیل‌های شعری وی در جهت ترغیب و تهییج جوانان، مادران و خانواده‌ها، از نوع تاریخی و تمثیلی هستند. چهره‌هایی مانند امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت مریم (س)، حضرت عباس (ع) و یاران پیامبر از

جمله ابوزر و عمار از شاخص‌ترین چهره‌های تاریخی هستند که در شعر سپیده در ساختار روایی تمثیل‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند. تمثیل «پرواز» یکی از تمثیل‌های پرکاربرد در ساختار متنی اشعار سپیده کاشانی است، در مرتبه بعد نیز مفاهیمی از قبیل «آتش، سوختن، شمع، پروانه و امثال این موارد، دستمایه این شاعر برای بیان تمثیلی هستند.

۲- بیان مسأله

تمثیل یکی از مهم‌ترین ابزارهای ادبی است که به لحاظ ساختاری و محتوایی بازتاب ویژه‌ای در گستره زبان و ادب پارسی دارد. با توجه به قابلیت‌های ارتباطی این گونه ادبی، برای بیان مفاهیم مختلف غنایی، تعلیمی، حماسی، عرفانی و امثال این موارد از آن استفاده می‌شود. این میزان از انعطاف‌پذیری، موجب ماندگاری نقش‌آفرینی تمثیل در حوزه ادبیات شده است. یکی از شاعران معاصر که در سروده‌های خود برای تبیین و تشریح منظور خود، هدفمندانه از تمثیل استفاده کرده، سپیده کاشانی است. شعر وی هرچند، اغلب به لحاظ پیام‌رسانی و بیان مضامین و درون‌مایه‌ها اهمیت بسیار دارد؛ برخلاف شعر اغلب شعرای دفاع مقدس از صورخیال و زیبایی‌ها کلام نیز بهره برده است. بررسی اشعار وی نشان می‌دهد شاخص‌ترین درون‌مایه‌های شعر سپیده عبارت‌اند از سوگ‌سروده‌ها، دعوت به بیداری، حماسه حسینی، شهادت و شهید، ادبیات پایداری و جبهه و جنگ، ستایش خصیت‌های دینی، انقلابی و ادبی، و امثال این موارد. سپیده شاعر انقلاب و جبهه و جنگ است و مجموعه‌ای مجزا به نام «هزار دامن گل سرخ» در این زمینه دارد. سپیده در این اشعار حتی به جزئیات عملیات گوناگون نیز پرداخته است: عملیات فتح‌المبین، بیت‌المقدس، عملیات والفجر ۸ و امثال آن‌ها. چهارچوب نظری این پژوهش، رویکرد نقش‌گرای هلیدی است. از منظر این رویکرد، زبان پدیده‌ای ذهنی نیست که در ذهن یک فرد وجود داشته باشد؛ بلکه زبان پدیده‌ای اجتماعی و در معرض تغییر است. در دستور نقش‌گرا، نظام واژگان دستور به صورت مراتب سازمان‌بندی شده‌اند و تقسیم‌بندی زنجیره کلام در سطوح و مراتب گوناگونی صورت می‌گیرد: (جمله، بند، گروه، واژه و تکواژه). رابطه میان این واحدها به گونه‌ای است که هر واحدی از یک یا چند واحد مرتبه پایین‌تر از خود ساخته شده است. در پایین‌ترین مرتبه تکواژ و در بالاترین مرتبه این نظام، جمله قرار دارد. امروزه علم زبان‌شناسی و نظریه‌های «متن‌شناختی» و «معناشناسیک» آن راهکارهای مناسبی جهت تحلیل گفتمان متون و کشف ناگفته‌های اندیشگانی و معرفتی پنهان در بافت متن را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. در نظریه نقش‌گرای نظام‌مند برای تحلیل متن و پایه بنایی سازه‌های آن، سه فرانقش‌اندیشگانی، بینافردی و متنی در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد با بررسی ساختار جمله، انواع متفاوت فرایندها و کارکرد آن در پیکره

گفتمانی و معنایی جمله را تبیین می‌کند. در کارکرد تجربی که زیرمجموعه فرانقش اندیشگانی است، این موضوع مطرح است که تجربیات دنیای درون و بیرونِ کاربرِ زبان، از طریق زبان او بیان می‌گردد. محصول این کارکرد در جمله، «گذرایی» است که برای مشخص نمودن انواع متفاوت فرایندها در جمله - که در فعل نمود می‌یابد - به کار می‌رود و از این طریق یک فرستنده، تجارب، اندیشه‌ها و برداشت‌های خویش را از حوادث، وقایع و پدیده‌های جهان بیرون و درونش به مخاطب عرضه می‌کند.

۲-۱- پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

۲-۱-۱- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش تلاش می‌کند به شیوه توصیفی - تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که:

- ۱- در ساختار متنی تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی کدام یک از فرایندهای زبانی غلبه بیشتری دارند؟
- ۲- سپیده کاشانی در ساختار متنی تمثیل‌های خود برای بازنمایی اندیشه خود نسبت به نامدهی اشخاص و مفاهیم از کدام حوزه‌های معنایی استفاده کرده است؟
- ۳- در ساختار تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی کدام یک از عناصر پیرامونی بسامد بیشتری دارند؟

۲-۱-۲- فرضیه‌های پژوهش

۱- به نظر می‌رسد در ساختار متنی تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی از میان فرایندهای ۶ گانه زبان از منظر فرانقش اندیشگانی، بیشترین بسامد به ترتیب متعلق به فرایندهای «رابطه‌ای» و «مادی» است. با توجه به اینکه شعر وی در بستر گفتمانی تعلیمی - ترغیبی شکل گرفته است، وی ابتدا به توصیف و ابلاغ اندیشه مورد نظر خود پرداخته و سپس با هدف ترغیب و تهییج مخاطبان غالباً جوان خود، از فرایندهای مادی و کنشی که روحیه تعهد و قدرت‌طلبی را در مخاطب تقویت می‌کند، بهره گرفته است.

۲- شیوه نامدهی در تمثیل‌های شعری وی در قالب عناصر طبیعی مانند گل‌ها «لاله، شقایق، گل سرخ» و رنگ‌ها «سرخ، سبز» شکل گرفته است.

۳- در تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی، بیشترین عناصر پیرامونی متعلق به «مکان» هستند و شعر وی با زبان تمثیل به توصیف مکان‌هایی مانند «کربلا»، «نینوا»، «فلسطین»، «کعبه مقصود»، «عرش» و امثال این موارد پرداخته است. در این میان، اماکن مذهبی که جنبه تقدس دارند از بسامد بیشتری برخوردار هستند.

۲-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان در وهله نخست در اهمیت نوع ادبی دفاع مقدس جست‌وجو کرد که شعری از جمله سپیده کاشانی و غیره با سبک خاص خود در شکل‌گیری این نوع ادبی نقش به‌سزایی داشتند. از سوی دیگر نیز رویکرد نقشگرایی و به‌طور خاص فرانقش اندیشگانی ابزاری را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که بتوانند از لابه‌لای متن «بافت متنی» به جهان‌بینی حاکم بر اثر و در نهایت شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره یک دوره تاریخی خاص پی ببرند. با توجه به جایگاه ویژه ادبیات دوره دفاع مقدس و همچنین نقش برجسته سپیده کاشانی به عنوان یکی از شاخص‌ترین شعرای این نوع ادبی و با لحاظ قرار دادن اینکه تا کنون پژوهش مجزایی درباره تمثیلات شعری وی صورت نگرفته، ضرورت ایجاب می‌نمود که تمثیل‌های شعری وی مورد کنکاش قرار گیرد تا افق اندیشه این شاعر هر چه بیشتر شناخته شود.

۲-۳- هدف پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی تمثیل‌های شعری حوزه ادبیات پایداری بر مبنای یکی از رویکردهای نوین زبان‌شناسی در مجموعه اشعار سپیده کاشانی است.

- بررسی سبک شخصی و زنانه سپیده کاشانی در زمینه کاربرد انواع تمثیل؛
- بررسی عوامل مؤثر بر گزینش انواع مفاهیم در حوزه تمثیل در ساختار متنی اشعار سپیده کاشانی.

۳- پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام شده مشخص شد که در سال‌های اخیر پژوهشگران مختلفی با رویکردهای تحلیلی متفاوت به بررسی فرم و ساختار تمثیل‌های به کار رفته در اشعار دوره دفاع مقدس پرداخته‌اند؛ اما تا کنون پژوهشی با تمرکز بر اشعار سپیده کاشانی صورت نگرفته و پژوهش حاضر می‌تواند آغازی بر توجه و دقت نظر بیشتر بر شعر این بانوی سخنور باشد. از جمله پژوهش‌هایی که به رویکرد تحلیلی پژوهش حاضر شباهت دارند می‌توان به پژوهش حسینی‌کازرونی، سیداحمد و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «تمثیل پرواز در شعر دفاع مقدس» اشاره کرد که در فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی به چاپ رسیده است. رنجبر، لیلا و علیمی، ماندانا (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی تمثیل در اشعار «محمود درویش» و «سید حسن حسینی» در فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی به چاپ رسانده‌اند. قاسمی‌فرد، محمد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بررسی زمینه‌های کاربردی تمثیل در مجموعه «دستور زبان عشق» از قیصر امین‌پور و حسینی‌کازرونی، سیداحمد و

همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی مؤلفه‌های تمثیلی رمان عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی از جمشید خانیان» در فصلنامه تحقیقات تمثیلی زبان و ادب فارسی به چاپ رسانده‌اند.

۴- مبانی نظری پژوهش

۴-۱- «تمثیل» و جایگاه آن در ادبیات دوران «دفاع مقدس»

از مهم‌ترین نمودهای ادبی شعر دوره دفاع مقدس، «تمثیل‌گرایی» است. تمثیل به‌عنوان یک شیوه بلاغی مؤثر، در حوزه ادبیات و علوم بلاغی دارای جایگاه و اهمیت فراوانی است. این شیوه با ایجاز در لفظ و اطناب در معنا، منتهای بلاغت شناخته می‌شود و از همین رو در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اخلاقی و تربیتی همچنین از دوره باستان مورد توجه ادبا و خطیبان بوده است و همواره به عنوان یکی از مؤثرترین و کارآمدترین ابزار و شیوه‌ها محسوب می‌شده است. «دفاع مقدس» اسم خاص جنگ تحمیلی بود. از آنجا که دفاع بود، پایداری بود و عنوان «شعر جنگ» به آن اطلاق نشد و تبدیل به «شعر دفاع» شد و چون این دفاع توأم با اعتقادات دینی و ایدئولوژیکی بود «دفاع مقدس» نام گرفت. این ادبیات با همه تعالی که در بعضی از مضامین و محتوایش دارد، به نوعی «ادبیات اجتماعی» است؛ یعنی ادبیاتی که برای پاسخ‌دادن به خواسته‌های اجتماعی مردم خلق می‌شود و طبعاً یک حادثه اجتماعی است. در دوران جنگ مردم یک جامعه یکسری نیازهای متفاوت دارند باید آن نیازها برآورده شود؛ آن رزمنده‌ای که سلاح به دست گرفته احتیاج به ترغیب دارد، به رجز دارد، آن خانواده‌ای که شهید داده، احتیاج به سوگنامه و سوگ سروده دارد و دیگر فتوحات و توصیف جانبازی‌ها و دلاوری‌ها، سوگنامه ویرانی‌ها و غیره. تمام این موارد ادبیاتی را خلق می‌کند به نام «ادبیات دفاع مقدس».

دفاع مقدس و فرهنگ و ادبیات آن بر صور خیال شاعران و زبان مخیل آنان تأثیر گذاشته و واژگان و اصطلاحاتی که مفهوم جنگ و نبرد داشته نه تنها در سبک ادبی و شاعرانه؛ بلکه در سبک و زبان عادی نیز تأثیر گذاشته است. شعرای حوزه دفاع مقدس با بهره‌گیری از این اصطلاحات، فضای شعر را با مفهوم دفاع مقدس و جنگ تلفیق کرده‌اند. از ویژگی‌های تصویری شعر دفاع مقدس، تصویرپردازی به واسطه ابزار جنگی است؛ مثل خمپاره، نارنجک، مین و وسایلی که مفهوم علامت و نشانه پیدا کردند:

- چفیه، پلاک زمانی ژست رؤیایی چفیه بود/ رفیق اشک و تنهایی چفیه بود/ چفیه یعنی دل عاشق
چقدر افتاده است/ زخم می‌بندد و غم سفره غم سجاده است (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۲۱).

در تصویرسازی، برخی واژگان چون: شقایق، لاله، کبوتر، گل بهار، گل‌های شقایق غربت، سوز، آینه، پرستو، آلاله‌های پرپر، شمشاد، سرو، نخل گل سوری، سوسن، نیلوفر، گل شب‌بو، صنوبر،

خورشید، مرغان مهاجر، نماینده و سمبل شهید و شهادت است. از جمله مضامین پُربسامد در شعر دفاع مقدس «لِزوم حفظ سرزمین» و «دفاع از وطن» است. از همین رو اشاره‌های فراوانی به وطن و میهن در شعر این دوره مشاهده می‌شود. توجه به مقام ارزشمند شهدا نیز از مضامین مورد توجه شاعران دفاع مقدس است:

– ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم/ وطنم/ ای توان‌ترین مظلوم/ تو را دوست دارم/ ای آفتاب شمایل دریادل/ و مرگ در کنار تو زندگی است (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

۲-۴- رویکرد نقش‌گرایی؛ ابزاری برای بیان تأثیر رویدادهای اجتماعی و تحولات زندگی شخصی نویسندگان بر آفرینش آثار ادبی با «محوریت فعل»

در زبان‌شناسی نقش‌گرا، زبان به صورت کاربردی مورد بررسی قرار می‌گیرد و فراتر از جمله و در سطح متن تحلیل می‌شود. نقش اندیشگانی در زبان‌شناسی نقش‌گرا برای تحلیل نگرش نویسنده و نوع گزینش سبکی وی کارآیی زیادی دارد. رویکرد نقش‌گرایی سعی دارد زبان را هم به طور ذاتی در درون خود توضیح دهد و هم در صدد آن است که رابطه زبان را با نظام‌هایی نظیر فرهنگ، نظام اجتماعی و باورها بیان کند. بنابراین نقش‌گرایی، زبان و سازه‌های زبانی را با توجه به زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد؛ تا تأثیر گفتمان‌های مورد توجه نویسنده در آفرینش اثر ادبی را آشکار کرده و نمود آن را در ساخت زبان و ترکیب کلمات با هم به نمایش بگذارد. نظریه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا که توسط هلیدی، ارائه شده، روشی جامع برای ارائه تحلیل‌های سبک‌شناسانه مبتنی بر «زبان و نمودهای زبانی» است. نقش‌گرایی با توصیف و تحلیل سازه‌های زبان، با محوریت فعل و با نظر داشت تأثیر فراز و فرودهای اجتماعی و تحولات زندگی شخصی صاحبان آثار ادبی در شکل‌گیری آن آثار، در پی کشف و تفسیر ذهن و جهان خالقان آثار ادبی، و تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری آثار آن‌هاست. (نک: ایشانی و نعمتی‌قزوینی، ۱۳۹۲: ۵۵).

۴-۳- «فرانقش اندیشگانی» و بیان تجربیات از جهان بیرون و جهان درون ذهن

وقتی از زبان برای بیان تجربیات انسان از جهان بیرون و جهان درون ذهن، و نیز توصیف پدیده‌ها و امور جاری در آن‌ها استفاده می‌شود با فرانقش تجربی سروکار داریم. فرانقش تجربی به «محتوای گزاره‌ای» بند مربوط می‌شود، نه به ساخت نحوی جمله، یا وجه دستوری آن. محتوای گزاره‌ای نیز همان کنش یا وضعیتی است که با فعل اصلی بیان می‌شود. این محتوا در نظر هلیدی، شامل سه مؤلفه است: «فرایندهایی» که «مشارکان» در «شرایط» معینی در آن شرکت دارند. از منظر تجربی، فرایندها

هسته بند هستند؛ زیرا بند درباره رویداد یا وضعیتی است که مشارکان درگیر آن هستند. فرایندها به وسیله گروه فعلی بیان می‌شوند؛ البته، در فرانش تجربی فقط فعل‌های اصلی اهمیت دارند و فعل‌های کمکی و وجهی به فرانش بینافردي مربوط می‌شوند. از طرفی، هر بند دست‌کم شامل یک مشارک نیز هست که به صورت گروه اسمی نمایان می‌شود؛ این مشارک اجباری همان فاعل در دستور سنتی است. علاوه بر آن، دو مشارک دیگر نیز می‌توانند در بند حضور داشته باشند. یکی از مفاهیم مطرح در این فرانش، «گذرایی» است. در دستور هلیدی «نظام گذرایی» یکی از مؤلفه‌های اصلی است که نقش اندیشگانی در آن نمود می‌یابد.

۵- بحث و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

«ادبیات مقاومت» به مجموعه آثاری گفته می‌شود که با تکیه بر هویت و ملیت یک قوم و ملت آفریده می‌شوند، انسان را به دفاع و مبارزه در برابر ظلم فرامی‌خوانند و صحنه‌های جنگ و نبرد را توصیف می‌کنند. با وقوع جنگ تحمیلی و حماسه‌هشت سال دفاع مقدس، این نوع ادبی در ادب پارسی رونق گرفت. شعر دفاع مقدس، رمزها و تمثیل‌های فراوانی را به نمایش می‌گذارد. تمثیل یکی از مهم‌ترین ابزارهای ادبی است که به لحاظ ساختاری و محتوایی بازتاب ویژه‌ای در گستره زبان و ادب پارسی دارد. برخی از این تمثیل‌ها، ریشه‌ای تاریخی- مذهبی دارد که با فضای جنگ و معنویت موجود در آثار این دوره تناسب دارد. شعر دفاع مقدس به سه دوره تقریبی جوانه‌های شعر جنگ، دوران تجرد و درونی شدن شعر جنگ و شعر جنگ بعد از خاتمه جنگ تقسیم می‌شود، که هر دوره ویژگی‌های خاصی دارد (فولادوند، ۱۳۷۳: ۳۲) شعر دوره اول با آغاز جنگ تحمیلی و شروع رشادت‌ها و غرورآفرینی‌های جوانان ایران سر از مطبوعات و میدان‌های جنگ و تمام رسانه‌های سمعی و بصری درآورد. شاعران دوره اول که مضامین مختلف را در شعر خود منعکس کردند، تصاویر شعری خود را از واقعیت‌ها می‌گرفتند و کمتر به کنایه و تصاویر مخیل و سمبولیک توجه دارند. در شعر این دوره، بیشترین توجه شاعران به تشبیه‌های صریح برای بیان واقعه‌گویی بر مبنای اخبار جنگ بود. استفاده شاعران از واژه‌هایی با بسامد با و تصویرسازی با کلماتی مانند گل، خون، شهید و شهادت سبب زیبایی شعر و پررنگ‌تر شدن محتوایی شعر این دوره می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۹) دوره دوم شعر دفاع مقدس همزمان با خروج شعر از جنبه مصداقی و پرداختن به مفاهیم کلی و برتر مشترک روح انسانی است و شعرا از تأثیر دردها و شادی‌های جامعه بر احساس و اندیشه خودشان برای مردم سخن می‌گویند؛ از این رو شعر درونی‌تر می‌شود و همین ویژگی، آن را زیباتر و عاطفی‌تر می‌کند (همانجا) دوره سوم شعر دفاع مقدس کاملاً از دوره‌های قبلی متمایز است و شعر، آن حال و هوای خاص خود را

دارد. در این دوره، طنین مظلومیت و حزن و اندوه سرشار و عمیق همراه با یاد از خودگذشتگی‌ها و حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان، حسرت و دریغ جاماندگان از کاروان شهیدان، تنهایی و غربت، شرم از شهیدان و... از موضوعات اصلی شعر شاعران است (همان: ۷۰ و ۷۱). سپیده کاشانی با آغاز جنگ تحمیلی در سنگر شعر و ادب به حمایت و تشویق رزمندگان پرداخت و برای درک عینی موقعیت مجاهدان در جبهه و جنگ حاضر شد. وی شیفته شهدا بود و بیان می‌کرد:

- «من شهدا را می‌شناسم، انگار جایی آنان را دیده‌ام، من خواهر بزرگ‌تر همه شهدا هستم (همان: ۸۲)

۵-۱- نگاهی اجمالی به «عناصر خیال» و «تمثیل» در شعر «سپیده کاشانی»

هر اثر هنری، زبانی دارد که نویسنده با استفاده از فنون ادبی به زیباسازی آن می‌پردازد. «انسان به وسیله نحو و کارکردهای خاص زبان ادبی، در جهان شباهت‌ها (تشبیه) و اشارت‌ها (استعاره) و نمادهایی پدید می‌آورد که خاص فرهنگ و اندیشه اوست و حتماً و باید با شباهت‌ها، استعاره‌ها و نمادهای زبان موجودات سیاره‌های دیگر کیهان فرق داشته باشد؛ چراکه جرم خود انسان با آن‌ها فرق دارد» (مندنی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۳۰).

با مطالعه شعر سپیده می‌توان گفت هدفمندی، رسایی زبان و عدم تکلف لفظ و محتوا از ویژگی‌های اصلی شعر اوست و به گفته خود وی، شعر او، آینه شخصیت سیاسی و یکدست شاعر است که خود، آن را این‌گونه توصیف می‌کند:

مرا آتشی هست در جان که ترسم به دریاچه باد ریزد پر من

زبان شعری سپیده از هرگونه تکلف و تصنع خالی است. شاعر در بند سخنوری و صنعتگری نیست؛ اما موسیقی شعری و لحن سرشار از گرما و عاطفه شاعر، خواننده را با شعر این بانوی اندیشمند پیوند می‌دهد. هرچند به سبب آشنایی کافی با ادبیات کلاسیک صور خیال، صنایع بدیعی و زیبایی‌های شعری را می‌شناخت، کلام خود را چندان مقید به رعایت آن‌ها نکرده و در نتیجه در تمام اشعارش زبانی ساده و روان و بی تکلف را برگزیده است (غفاری، ۱۳۸۴: ۸۶) زبان شعری سپیده هم بر معنا دلالت دارد هم بر پیام؛ پیام‌هایی که روایتگر وقایعی است که او با چشم خود دیده است. سپیده در هر شعر پیامی دارد که آن را با زبان شاعرانه بیان می‌کند و برای این کار خیلی کم از زبان رمز و اشاره استفاده می‌کند؛ بلکه از واژه‌های معمول زبان کمک می‌گیرد؛ اما زبانی مؤثر و نافذ به‌گونه‌ای که هنوز تازگی کم و محتوا را در شعر وی می‌توان احساس کرد (نک. ساعدی، ۱۳۸۹: ۴) و (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۷۴). سپیده، واژگانی مخصوص به خود دارد، ترکیب‌ها و واژگانی که خود آن‌ها را

آفریده و به کار برده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به «چکامه تکفیر»، «استخاره شکستن»، «شعاع شهر کهن»، «کباب آتش دل» و امثال این موارد اشاره کرد (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۸)

ویژگی اصلی شعر سپیده عبارت است از رهایی از قید کنایه‌پردازی و ابهام‌گرایی و لفظ‌گرایی و توجه به صراحت بیان، بی‌پیرایگی زبان و بیان حقایق و مسائل اساسی زمان تحت سایه آزادی‌های انقلابی. وی در بسیاری از موارد از واژه‌های نمادین مانند شب، وحشت، زمستان، بن‌بست، تاریکی و امثال این موارد استفاده کرده است. در شعر سپیده، صورخیال به‌ویژه تشبیهات و استعارات زیبا به صورت شفاف و عینی فراوان است. سپیده کاشانی از جمله شاعران زن پارسی‌گوی معاصر کشور است که نقش بی‌مثال وی در ترویج ادبیات انقلابی و حماسی این مرز و بوم بی‌بدیل است. وی بعد از پیروزی انقلاب به دلیل اعتقاد راسخی که به اسلام و انقلاب داشت، با عزم و اراده‌ای جدی‌تر در عرصه فعالیت‌های فرهنگی ظاهر شد. او از نخستین روزهای پیروزی انقلاب همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و برای مدتی نیز مسئولیت صفحات ادبی مجله «زن روز» را عهده‌دار شد. با شروع جنگ تحمیلی این بانوی شاعر بارها به همراه پسرش در جبهه‌های جنگ حاضر شده و به تشویق و ترغیب رزمندگان می‌پرداخت. او بارها و از نزدیک مقاومت و ایثار رزمندگان دلیر ایرانی را مشاهده کرد:

معبود تویی، از تو امان می‌خواهم	زان چشمه سرمدی، نشان می‌خواهم
گفتی که شهید، زنده جاوید است	یارب، ز تو عمر جاودان می‌خواهم

پروانه‌های شب، نخستین مجموعه اشعار سپیده است که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد. اشعار این دفتر وی بیشتر به توصیف فضای تیره و تاریک عصر ستم‌شاهی می‌پردازد. دقت در مضامین برخی از اشعار این دفتر افزون بر نشان دادن شدت اختناق آن دوران، انعکاس‌گر شهامت و زیرکی این شاعر در به تصویر کشیدن فضای تاریک عصر خفقان است (سیدنژاد، ۱۳۸۳: ۱۵۷) شاعر خود درباره این اثر می‌گوید: «پروانه‌های شب، رنج‌نامه‌ای است از تجربه‌های سال‌ها ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ که واژه‌های آن به سبب فضای تاریک آن زمان به پروانه‌هایی تشبیه شده‌اند که در شب پرواز می‌کنند. شاعر تا آنجا که ممکن بوده با ایما و اشاره و مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از گفتنی‌ها را در آن به تصویر کشیده و این جنگ و گریز ادبی سیاسی وی تا آغاز انقلاب اسمی ادامه داشته است» (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

پس از انقلاب و به‌ویژه آغاز جنگ برای انعکاس واقعیت‌های جنگ و جامعه و تقویت روحیه رزمندگان و برانگیختن حس شهامت و شهادت‌طلبی مردم ایران، اشعار بسیاری سرود؛ بنابراین برای سرودن اشعار واقع‌گرای خویش که تمام مردم مخاطب آن بودند، شیوه‌ای مانند حماسه‌سرایان در پیش گرفت. تصویرسازی‌های ادبی حاصل از فنون بیان و بدیع موجود در اشعار سپیده، بازتاب‌دهنده هنر شاعری و تخیل قوی شاعر است. سپیده از بین فنون ادبی، شگردهای متناسب با مضمون و مخاطبان

خویش مثل تشبیه و استعاره و گاه آرایه‌های لفظی مانند جناس، واج‌آرایی، تکرار و غیره استفاده می‌کرد.

۵ - ۲ - انواع فرآیندهای زبانی و بسامد آن‌ها در ساختار تمثیل‌های روایی «سپیده کاشانی»

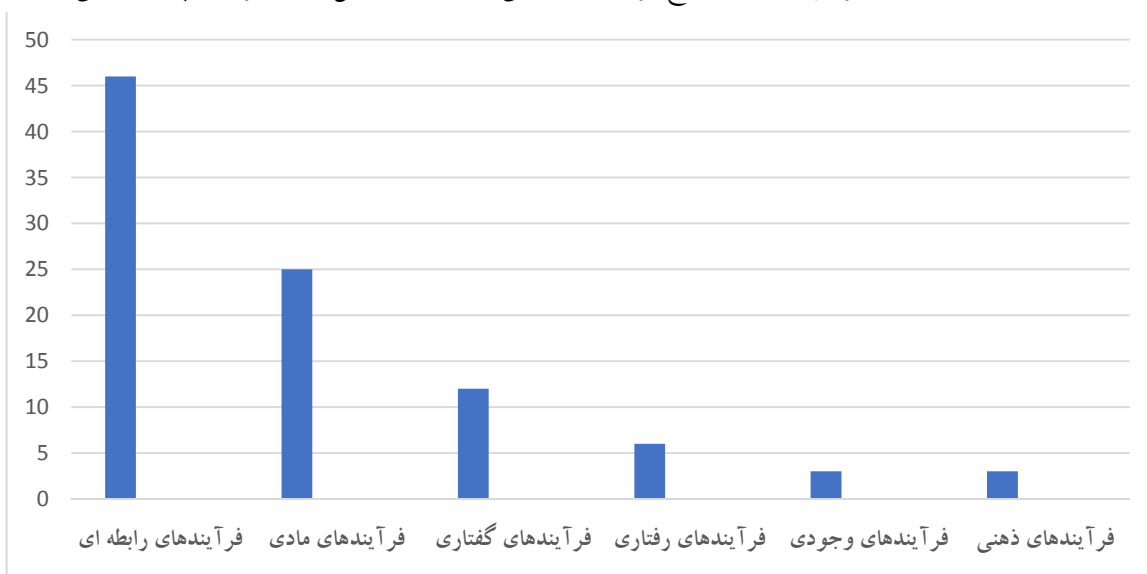
مطالعه بافت متنی اشعار سپیده کاشانی نشان می‌دهد که زمینه‌های کاربرد «تمثیل» در شعر وی عبارت‌اند از: «تعیین و تغییر الگوهای اخلاقی و ارائه الگوهای جایگزین؛ خلق تداعی‌های قدرتمند در ذهن و ملموس و عینی‌سازی مفاهیم مرتبط با شهادت و غیره؛ تعلیم غیرمستقیم نکات اخلاقی و دینی؛ ساده‌سازی مفاهیم نامأنوس و تغییر چهارچوب معنایی یک مفهوم». با بررسی ساختار روایی تمثیل‌های به کار رفته در شعر سپیده کاشانی مشخص می‌شود که بیشترین مفهوم به کار رفته در آن‌ها مفهوم «شهادت» است. «تمثیل» و رمزهای مرتبط با مفهوم «شهادت» در شعر وی، بیانگر «عروج روح» پس از مرگ به عالم بالا و نور است. سپیده با اعتقادات مذهبی خاص خود و احساسات و عواطفی لبریز از عشق به مردم و وطن، به عنوان شاعری متفاوت پا به عرصه شعر و ادبیات گذاشت. وی در هریک از اشعارش پیامی دارد که آن را به زبان شاعرانه بیان می‌کند و برای تبیین آن کمتر از رمز و اشاره کمک می‌گیرد و انتقال پیام شعری وی به خواننده از طریق واژه‌های معمول زبان است.

۵ - ۲ - ۱ - فرایندهای «رابطه‌ای» و «مادی»؛ فرآیندهای غالب در تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ساختار متنی تمثیل‌های شعری وی از میان فرآیندهای ۶ گانه زبان از منظر فرانقش اندیشگانی، بیشترین بسامد به ترتیب متعلق به فرآیندهای «رابطه‌ای» و «مادی» است. با توجه به اینکه شعر وی در بستر گفتمانی تعلیمی - ترغیبی شکل گرفته است، وی ابتدا به توصیف و ابلاغ اندیشه مورد نظر خود پرداخته و سپس با هدف ترغیب و تهییج مخاطبان غالباً جوان خود، از فرایندهای مادی و کنشی که روحیه تعهد و قدرت‌طلبی را در مخاطب تقویت می‌کند، بهره گرفته است. ذکر این نکته نیز ضروری است که با توجه به اینکه سپیده سعی در ملموس ساختن مفاهیم «دفاع»، «جهاد»، «شهادت» و امثال این موارد داشته، از کاربرد فرایندهای ذهنی و انتزاعی پرهیز کرده است. غلبه «کنش توصیفی» در ساختار روایی گفتمان اشعار تمثیلی سپیده در حوزه دفاع مقدس و ادبیات پایداری، باعث شده است که بسامد آغازگرهای تجربی یا مبتدایی، در متن اشعار وی، بیش از سایر آغازگرها نمود داشته باشد؛ وی با استفاده از روش‌های «تعریف و توصیف» به تبیین چارچوب فکری و معرفتی خود در باب مفهوم «شهادت» و جایگاه آن در جامعه ایران و در میان مکاتب فکری و مذهبی پرداخته است. در اشعار وی گاه مفاهیم ملموس و گاه مفاهیم انتزاعی وظیفه

انتقال اندیشه پایداری و دفاع از وطن را بر عهده دارند. شیوه نامدهی در شعر وی نیز در قالب عناصر طبیعی مانند گل‌ها «لاله، شقایق، گل سرخ» و رنگ‌ها «سرخ، سبز» شکل گرفته است.

نمودار ترتیب بسامدی انواع فرآیندهای زبانی در ساختار تمثیل‌های شعری «سپیده کاشانی»



۵ - ۲ - ۲ - «تمثیل»، «حوزه‌های معنایی» و «مفاهیم مرتبط با آن» در ساختار متنی اشعار سپیده

کاشانی

از آنجا که شاعر بنا بر دلایل مختلف یا در اوضاع و احوال متفاوت از واژگان خاصی بهره می‌برد، عوامل فراوان و متنوعی در گزینش واژگان شعر مؤثر است که از جمله آن‌ها می‌توان به شخصیت فردی شاعر و به‌ویژه حالات روحی وی، مخاطبان شعر، سنت و میراث گذشتگان، محیط زندگی شاعر و اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران او اشاره کرد. در اشعار سپیده، بسامد بالای واژه‌ها و ترکیب‌هایی مانند شهید، شهادت، خون، رنگ سرخ، آتش، خاکستر، گل، شب، درد و غیره و ترکیب‌سازی‌های شاعر در فضا سازی اشعار وی و تقویت انتقال محتوای اشعار وی بسیار مؤثر است.

بیقراران عشق‌اند آن جوانان پرشور / مژده‌ها دارد از نور، گام هر بی‌قراری

تا فراسوی این بوم، یاد سروی است گلگون مانده زآنان به هر کوی، جاودان یادگاری (کاشانی، ۱۳۸۹):

(۲۸۱)

در شعر کاشانی، تمثیل به‌طور کلی اهداف، کاربرد و انواع متفاوتی دارد. غالب تمثیل‌های شعری وی در جهت ترغیب و تهییج جوانان، مادران و خانواده‌ها، از نوع تاریخی و تمثیلی هستند. چهره‌هایی مانند

امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت مریم (س)، حضرت عباس (ع) و یاران پیامبر از جمله ابوذر و عمار از شاخص‌ترین چهره‌های تاریخی هستند که در شعر سپیده در ساختار روایی تمثیل‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند. تمثیل «پرواز» یکی از تمثیل‌های پرکاربرد در ساختار متنی اشعار سپیده کاشانی است، در مرتبه بعد نیز مفاهیمی از قبیل «آتش، سوختن، شمع، پروانه و امثال این موارد، دستمایه این شاعر برای بیان تمثیلی و نمادین هستند. بطور کلی تمثیل‌های مذهبی بیشترین کاربرد را در اشعار سپیده کاشانی دارند.

۵-۲-۱- تمثیل‌های حیوانی (پرنندگان، پروانه، غزال، سینه‌سرخ و غیره)

۵-۲-۱-۱- تمثیل «پرواز» (معراج، عروج روح به عرش و عالم بالا)

یکی از تمثیل‌های پرکاربرد در شعر سپیده کاشانی، تمثیل «پرواز» است که از طریق ملازمات پرواز یعنی (پر، سیر، عرش و غیره) بیان شده است. در مثال زیر عرش خدا جایگاهی والا و رفیع است که انسان باید از طریق «پر محبت» به سیر آن بپردازد. فرایندهای «مادی» و نقش معنایی کنشگر (انسان) در ساختار این تمثیل بسامد بیشتری نسبت به سایر فرایندها دارد. تمثیل «پرواز» در شعر سپیده کاشانی در ردیف تمثیل‌های مذهبی قرار دارد و همواره با مفهوم «معراج» ملازم شده است. تمثیل مذهبی این ویژگی را دارد که جوانانی که روحیه مذهبی دارند، ترغیب و تشویق به حضور در جبهه‌های نبرد شوند و شهادت برای آنان به منزله پلی برای رسیدن به معراج باشد.

در این مصراع شاعر با استفاده از تمثیل «پرواز» و بخشیدن جنبه تقدس به آن، شهید را به مثابه پرنده و شهادت را امری پروازگونه پنداشته که از طریق آن روح عروج پیدا می‌کند:

با پری از محبت، سیر عرش خدا کن آی انسان تو را بس از وفا کوله باری

دی گذشته است و فردا، روز قسط و عدالت ای فرورفته در خویش بهر گفتن چه داری؟ (همانجا)

این تمثیل‌ها که در ورای آن‌ها، پرنندگان قرار دارند؛ تمثیل حیوانی قلمداد می‌شوند که بیشتر در ادبیات تعلیمی عمومیت دارد. کاشانی در بیشتر تمثیل‌های شعری خود، از اینگونه تمثیل‌ها بهره گرفته و بیشتر از ویژگی «پرواز» و «در بند نبودن و عدم وابستگی پرنندگان» اشاره داشته است. وی همچنین از ریشه اساطیری پرنندگان در ادبیات فارسی نیز غافل نبوده و با استفاده از تجربه پیشینیان به حیوانات و به‌ویژه پرنندگان، حیاتی معنوی بخشیده است.

همتشان طارم انجم گرفت تربتشان، خاک تیمم گرفت

ای که گذر داری از آنجا بگو کس نزنند گام در آن بی‌وضو

(کاشانی، هزاردامن گل سرخ: ص ۵۳)

«سیر کردن» و «رسیدن به بهشت»، علاوه بر مفهوم «پرواز»، در قالب «طلوع خورشید» نیز مطرح شده است؛ خورشیدی که از شکاف زخم‌های سرخ هر شهید می‌دمد و نور امید را می‌پراکند. سپیده نیز مانند برخی از شعرای دوره دفاع مقدس برای نشان‌دادن تصویر شهدا از عناصر طبیعی و آسمانی همچون خورشید، آفتاب، ماه و ستاره بهره برده تا از این طریق شهدا را با مظاهر پاکی و درخشانی توصیف کند:

- از شکاف زخم سرخ هر شهید / می‌دمد خورشیدی از نور امید
زان دریچه سیر کن، سیر بهشت / از طلای عشق بنگر خشت خشت (۱۳۸ - ۱۳۹)
- چنان تابنده‌ای بر جان من چون مه که پنداری ز شاخ ماه، برگ نور بر ویرانه می‌ریزد (12)
تمثیل طلوع و غروب نیز یکی از تمثیل‌های پرکاربرد در حوزه مفهومی معراج و بطور کلی «شهادت» است. در این تمثیل‌ها نیز شاعر به رنگ سرخ غروب و طلوع خورشید نظر داشته که به صورت غیرمستقیم به خون شهدا اشاره دارد:
- به میان سرخی مغرب و سبز سبزه‌زاران / همه جا تویی، تو ای مطلع صبح باور من (۱۰۰)
«گل شقایق» در ساختار تمثیل‌های مربوط به معراج، نقش شهادتی را دارد که قصد نوشیدن از جوی نور را دارند. رنگ سرخ شقایق، تمثیلی از خون جاری شده شهیدان است که در جست‌وجوی مقام رفیع شهادت به دنبال نور رهسپارند:
- تا دور، تا نهایت معراج / دیدم لبان سرخ شقایق / از جوی نور / آهنگ نوشیدن دارد. (۶۳)
- بوتۀ خودروی یادت شد مرا تن پوش دل در کبود ابر چشمم، چشمه‌ساری دیگر است (۴۱)
غزالان دشت‌های سرخ، تمثیل دیگری از رزمندگان مشتاق شهادت است که با عشق در راه دفاع از وطن و شهادت گام برمی‌دارند:
- با غزالان غزل از دست‌های سرخ عشق / عطر آن گل‌های یکتا پیرهن آورده‌ایم (۱۳۸۹: ۸۶)
در مثال زیر نیز، با استفاده از تمثیل حیوانی (پرنندگان) و رنگ سرخ آنها به مفهوم شهادت و خون سرخ شهیدان اشاره دارد:
- سینه‌سرخان مهاجر را هزاران داستان / لحظه پرواز از زندان تن آورده‌ایم (۸۶)

۵-۲-۲-۲- تمثیل حیوانی / «پروانه»

۵-۲-۲-۱- «آتش» و «سوختن»

تمثیل «سوختن» به‌عنوان یکی از پرسامدترین تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی، زمانی به کار می‌رود که هدف وی توصیف شهرها و خانه‌های ویران است. شهر اصلی مدنظر وی، خوزستان است که در

شعله‌های فاجعه می‌سوزد. سپیده برای توصیف فرایند سوختن، از افعال «وصفی» و «رابطه‌ای» استفاده کرده است. در تمثیل‌هایی که مفهوم «سوختن» از آن‌ها استنباط می‌شود، غالباً «گل شقایق» نیز مطرح شده که به نظر می‌رسد شاعر به رنگ سرخ این گل و داغداری آن «رنگ سیاه در میان سرخی» اشاره دارد.

- در قحط‌سال سبزه و رویش / خوزستان / در شعله‌های فاجعه می‌سوزد / در قتل عام سرخ شقایق‌ها / فریاد اعتراض نمی‌خیزد / در خانه‌های ساکت و ویران / چشمان خیس پنجره بر راه است / قلب شهیدان می‌تپد / در بندر (۴۵۱)

تمثیل‌های مرتبط با «سوختن» و «آتش» نیز غالباً تمثیل‌هایی مذهبی هستند که به وقایعی مانند روز عاشورا اشاره دارند. رنگ سرخ آتش نمادی از عشق به امام حسین (ع) و مفهوم جهاد و شعله آن نیز اشتیاق به شهادت را در وجود رزمندگان به تصویر می‌کشد.

- گلگشت سُرَب و آتش بر سینه شهیدان برقی جهیده از یک خُلواره بر ستون است (۲۹)
اما حسین (ع) و یارانش به عنوان مظهر عشق و بی‌پروایی در برابر آتش / سوختن مطرح شده‌اند که بی‌پروا در نینوای عشق / جبهه‌های نبرد گام می‌نهند و با اشتیاق به سوی آغوش معبود خود / شهادت می‌روند.

صدای کیست از که دشت بیکرانه می‌آید	بسان شعله آتش صور زبانه می‌آید
صدا صدای طنین خوش رضا بقضائک	صدا صدای حسین (ع) است و جاودانه می‌آید
ز نینوای شهیدان کربلای حسینی	وزیده رایحه عشق و جاودانه می‌آید

(هزار دامن گل سرخ: ۷۵ - ۷۶)

۵ - ۲ - ۲ - ۳ - تمثیل «پروانه» و «شمع»

مهم‌ترین تمثیلی که در ارتباط با جوانان رزمنده و ایثارگران در شعر سپیده کاشانی مطرح می‌شود، تمثیل «پروانه» است؛ پروانه‌هایی که در شب «جامعه جنگ‌زده»، قصد پریدن و فداشدن در مسیر آرمان-هایشان را دارند. تمثیل «پروانه» یکی از تمثیل‌های پرکاربرد در ادب پارسی است که هر یک از شعرا با اهداف مختلفی از آن بهره گرفته‌اند؛ این مفهوم در شعر سپید کاشانی نمادی از «جانبازی» و «فناشدن» در مسیر هدفی والا است:

پروانه‌های شب / در زیر داربست بلند ستاره‌ها / حرفی است بر کتیبه این قصر کاغذین؟ حرفی ز روزهای شتابنده / حرفی ز لحظه‌های نپاییده / کز تنگه‌های شبزده می‌آید / کز برج یادها (۳۵۹).

وی حضرت زینب (س) را با مادران ارجمند شهدای دوران دفاع مقدس مقایسه می‌کند و یادآور می‌شود که اشک‌های آنان در شهادت فرزند مجاهدشان همتراز اشک‌های حضرت زینب (س) در عزای شهدای کربلا است. تمثیل‌های مرتبط با «پروانه» و «شمع» نیز غالباً تمثیل‌هایی مذهبی و تاریخی هستند:

هنوز سوز کلامت زند به شرر و دل جان
مگر کلام حسینی تو ای عزیز گرامی (همان: ۴)
از مادران این شمع‌های اشک آجین
این قهرمانان بزرگ زینب آیین (۱۴۳)

۵-۲-۲-۴- تمثیل «گهواره» و رویش قهرمانان از دل آن

در مثال زیر مادران شهدا به عنوان مریم‌هایی مورد خطاب قرار گرفته‌اند که با دم مسیحایی خود، قهرمانانی را در دل گهواره‌ها پرورش می‌دهند و قهرمانان مانند گل‌های نورسته در مسیر آرمان‌هایشان قد علم می‌کنند. سپیده کاشانی در این تمثیل‌ها بیشتر به شخصیت‌هایی تاریخی مانند حضرت «مریم» اشاره دارد. «مریم» در ادب پارسی تمثیل از پاکی است که در شعر سپیده کاشانی به عنوان نگهبان پاکی و نور از وی یاد شده است. قهرمانان عشق / رزمندگان نیز مانند حضرت عیسی (ع) در گهواره با دم عاشقانه و پاک مریم‌ها / مادران خود روئیده و پرورش یافته‌اند. در مثال زیر گهواره تمثیلی از آغوش مادران گرامی شهدا است:

«آه! ای مریم‌ها، مریم‌ها/ مادران دیروز/ ای نگهبانان پاکی و نور/ که طنین گرم بی‌های شما/ از دل گهواره / با دم عشق قهرمانان را می‌رویانند...» (کاشانی، ۱۳۵۲: ۱۵۰)

۵-۲-۲-۵- تمثیل‌های مرتبط با عناصر طبیعی (نیلوفر، شقایق، لاله، ابر، چشمه و غیره)

سپیده برای ساخت تصاویر شعری خود بیشتر از عناصر طبیعت که با روحیه زنانه وی تناسب بیشتری دارند و بیشتر در دسترس مخاطب هستند و به فهم آسان‌تر وی از شعر شاعر و درک تصاویر وی کمک می‌کنند، استفاده کرده است؛ این امر ناشی از آن است که وی به اقتضای ادب پایداری تلاش کرده با سبکی دلنشین و در عین حال واقع‌گرایانه به تبیین وقایع پردازد و افزون بر بیان احساسات پاک خویش نسبت به وطن و رزمندگان، برای تقویت روحیه گام برداشتن در مسیر شهامت و شهادت و پاسداری از وطن در مخاطبان خویش انگیزه ایجاد کند؛ پس باید زبان، تصاویر و آرایه‌هایی را که به فهم مخاطب کمک کند برگزیند؛ زیرا به‌کارگیری صورخیال پیچیده مانع از انتقال عواطف و اندیشه‌های وی و بقای یاد شهدا در حافظه تاریخ می‌شد. شیوه به‌کارگیری آرایه‌های ادبی در شعر وی نشان-

دهنده هدف اصلی این شاعر؛ یعنی تقویت روحیه وطن‌دوستی برای حفظ میهن است. سپیده از بین فنون ادبی از گونه‌های استعاره به‌ویژه استعاره مکنیه از نوع شخصیت‌بخشی بیش از دیگر عناصر صورخیال استفاده کرده است؛ وی از ویژگی‌های انسانی بیش از دیگر شیوه‌ها برای تصویرسازی‌های استعاری خود استفاده کرده است. در مثال‌های زیر وی از مفاهیمی مانند نیلوفر، شب، ابر، چشمه‌سار و مواردی از این قبیل، به صورت تمثیلی و نمادین بهره گرفته است. کاربرد «گل‌ها» از دیگر تصاویری است که سپیده برای توصیف شهدا به کار برده است. شقایق، لاله، ارغوان، گل سرخ و غیره. دلیل استفاده از این موارد این است که همان‌گونه که عمر گل بسیار اندک است شهدا نیز عمرشان چون گل کوتاه است. از سوی دیگر از گل‌های به رنگ قرمز استفاده کرده که نشانی از سرخی خون شهداست.

- نیلوفر سبز دعا بر ساقه‌های دست‌ها پیچیده و تا آستان دوست، سائل می‌رود (۶۳)
در مثال زیر، «شب» تمثیلی از سیاهی، تیرگی و هراسی است که در ایام جنگ سراسر جامعه را فرگرفته است. شب تمثیلی از سیاهی، ترس، طولانی بودن و سکوت است:

- چو شب ز کوچه رؤیا به باغ شعر من آیی هزار بیت کنم پرپر و به پای تو ریزم (۸۳)
- به گلبرگ رخت چون شعله‌های شرم افروزی ز باغ اختران از آسمان پروانه می‌ریزد (همان: ۱۱)
لبان سرخ شقایق در مثال زیر تمثیلی از خون رزمندگان است که قصد نوشیدن از جوی نور / رسیدن به مقام رفیع شهادت را دارند:

- تا دور، تا نهایت معراج / دیدم لبان سرخ شقایق / از جوی نور آهنگ نوشیدن دارد (۴۶۳)
یکی از گل‌های پرکاربرد که مانند شقایق در شعر سپیده نقش‌آفرینی می‌کند، گل لاله است که شاعر در زمینه کاربرد این گل نیز به رنگ سرخ آن توجه داشته است. لاله نیز تمثیلی از خون سرخ شهیدان است:

- ای لاله آرمیده در خاک خموش / مضمون سخن تویی و معنای خروش
- هم سینه به سینه نقش شد قصه تو / هم رایت سرخ تو رود دوش به دوش (۳۰۷)
- ذره شد در پرتو خورشید جان افروز عشق / سرخ سربازان حق از سر گذشت (۴۰)
- تو شاخه گل سرخی ز باغ پُرگل قمصر / که خون سبز بهاران به قامت تو دمیده (همان: ۲۳)
- بوسه‌بازی گل و مهتاب در گلخانه بود این زمان میعادشان را بوسه‌زاری دیگر است (۳۴)

۵-۲-۲-۶- تمثیل‌های «تاریخی» و «مذهبی»

در اشعار سپیده یاد شهیدان و اندوه حسرت مادران، بازتاب شهادت یا وفات یاران انقلابی، انعکاس فرهنگ جهاد و شهادت به وفور مشاهده می‌شود. وی با استفاده از الگوهای ولایی چون حضرت امام

حسین (ع) و واقعه جانسوز کربلا، مصائب جانگداز حضرت زینب (س) و حضرت زهرا (س) و ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج)، اشعاری متناسب با خط‌مشی فکری و آرمانی خویش می‌سراید و در صدد ترغیب و روحیه‌بخشی به رزمندگان جبهه‌های نبرد است و سروده‌هایش به منزله مرهمی برای دل‌های زخم‌دیده مادرانی است که در طول جنگ هشت ساله تحمیلی داغ‌دار عزیزان خویش بوده‌اند. سپیده در زمینه توصیف مضمون شهادت و تصاویر مرتبط با آن، جانبازی و یاد دوستان شهید از مفاهیم مذهبی مانند «طواف»، «احرام»، «تبرک» و غیره استفاده کرده است.

- با کوله بار سرخ پیامت به پیش می‌رویم / تا تیرک درفش ظفر را / بر خاک خون‌گرفته بکوبیم / و دم صف نمازگزاران را / نیت نماز سرخ شهادت بود (۴۶۲)

- غبار مه به تبرک از آسمان برگیر / اگر ز کوی شهیدان غبار می‌خواهی (۱۲۳)
در مثال زیر «شاخ گل» تمثیلی از عضوی از اعضای بدن جانبازان است که مانند حضرت عباس (ع) در مسیر دفاع از دین و وطن دست، پا یا عضو دیگری از بدن خود را از دست داده اند و زخمی شده اند؛ البته از نظر شاعر این عضو مانند شاخ گلی کوچک و بی ارزش در درگاه الاهی است:

- دستی اگر پایی اگر داده‌ام هدیه به درگاه خدا کرده‌ام
- پیشکش ای دوست، جز اینم نبود شاخ گلی داده، صفا کرده‌ام (۷۹)
- دلم احرام طواف سر کوش می‌بست / زد شرر جلوه او بر دل و افروخت مرا (۷۴)
- به تو تهنیت باد ای گل سرخ پرپر من! / که طلوع فجر سر زد ز کران خاور من
- ز شب سیاه هر کلبه گیاه نور روید / چو چراغدار ره شده دست رهبر من
- به لحظه‌های ناشناس صبح / به کاروانی که پیام لاله‌زاران را / در نغمه سرخ جرس دارد. (۴۵۵)

جدول مشارکان و نقش‌های معنایی آن‌ها در ساختار «تمثیل‌های شعری» سپیده کاشانی

ردیف	نوع فرآیند	مشارکان فرآیندها	نقش‌های معنایی
۱	مادی - رابطه‌ای	رزمندگان	کنشگر - حامل - شناسا
۲	مادی - رابطه‌ای	شهدا «لاله، شقایق، گل سرخ»	کنشگر - حامل - شناسا
۳	رابطه‌ای	مادران شهدا ۱	حامل - شناسا

^۱. از مادران این شمع‌های اشک آجین

این قهرمانان بزرگ زینب آیین (همان، ۱۴۳)

گردآفرین آفرین باد بر صبر بارآور تو

رشک بهار است ای زن دامان گل‌پرور تو

ای چشم بیدار امت ای فخر بانوی کوثر

۴	رابطه‌ای	جانبازان	حامل - شناسا
۵	مادی	امام حسین (ع)	کنشگر
۶	مادی - گفتاری	حضرت زینب (س)	کنشگر
۷	رابطه‌ای	حضرت عباس (ع)	حامل - شناسا
۸	رابطه‌ای	صحرائ کربلاء	حامل - شناسا
۹	رابطه‌ای	جبهه‌های نبرد	حامل - شناسا
۱۰	رابطه‌ای	سرزمین ایران	حامل - شناسا
۱۱	رابطه‌ای	مردم خوزستان	حامل - شناسا
۱۲	مادی - رابطه‌ای	مردم ایران	کنشگر - حامل - شناسا
۱۳	مادی	جوانان ایران	کنشگر
۱۴	مادی	صحابه پیامبر (ص) «ابوذر»	کنشگر
۱۵	مادی	من «سپیده کاشانی»	کنشگر
۱۶	مادی - رابطه‌ای	خون شهید	کنشگر - حامل - شناسا
۱۷	رابطه‌ای	مسجدالاقصی	حامل - شناسا
۱۸	مادی	قلم من «سپیده کاشانی»	کنشگر
۱۹	رابطه‌ای	کعبه مقصود	حامل - شناسا
۲۰	رابطه‌ای	سنگر	حامل - شناسا
۲۱	رابطه‌ای	شهر	حامل - شناسا
۲۲	رابطه‌ای	عشق	حامل - شناسا
۲۳	رابطه‌ای	باروت	حامل - شناسا
۲۴	رابطه‌ای	زندان تن	حامل - شناسا
۲۵	رابطه‌ای	گردآفرید	حامل - شناسا
۲۶	رابطه‌ای	خوزستان	حامل - شناسا

ای در صبوری چو زینب شاد از تو پیغمبر تو

فریاد کردی عزیزان سر زد فلق «فاستقاموا»

کاخ ستم را فرو ریخت فریاد عصیانگر تو

یک دست قرآن و دستی آن شعله‌ور مشعل عشق

از شب گذشتی و تابید فجر نوازشگر تو (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۷۵-۲۷۶)

۵-۲-۲- فرانقش اندیشگانی و «عناصر پیرامونی»

بکارگیری عناصر پیرامونی در فرانقش اندیشگانی مطرح می‌شود. این عناصر قسمتی از سیستم گذرایی را تشکیل می‌دهند؛ این عناصر پیوند نزدیکی با فرآیندها دارند. بکارگیری عناصر پیرامونی و توضیح زمان، مکان، چگونگی و غیره در مورد وقوع فرآیندها می‌تواند بازنمایی‌کننده نگاه نویسنده به دنیای اطرافش، به رویدادها و تفکر وی نسبت به دنیای بیرون باشد. از این رو میزان ریزبینی و توجه نویسنده به جزئیات نیز می‌تواند به سبکی شخصی یا گروهی تبدیل شود. بطور کلی این عناصر در انتقال مفهوم، معنا و قصد نویسندگان نقش به‌سزایی دارند. یکی از کارکرد افزوده‌ها آن است که با دادن اطلاعات بیشتر در مورد وقوع یک فرآیند، به‌گونه‌ای، ابهام را از بین می‌برند؛ به‌بیان‌دیگر، عناصر پیرامونی بطور دقیق چگونگی انجام فرآیند را توصیف می‌کنند و مضمون تجربی متن را بالا می‌برند؛ زیرا باعث محدود و «خاص کردن» اطلاعات داده‌شده می‌شوند. عناصر پیرامونی همراه با فرآیند می‌آیند و زمان، مکان و شیوه رخداد را نشان می‌دهند؛ این عناصر به سؤالات «چه وقت»، «کجا»، «چگونه» و «چرا» پاسخ می‌دهند. (نک، رضویان و احمدی، ۱۳۹۵: ۳۴۷ - ۳۴۸) در تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی، بیشترین عناصر پیرامونی متعلق به «مکان» هستند و شعر وی به توصیف با زبان تمثیل به توصیف مکان‌هایی مانند «کربلا»، «نینوا»، «فلسطین»، «کعبه مقصود»، «عرش» و امثال این موارد پرداخته است. اماکن مذهبی که جنبه تقدس دارند در این میان از بسامد بیشتری برخوردار هستند. کاربرد اماکن مذهبی به تهییج روحیه جوانان و هدف تعلیمی - ترغیبی نویسنده یاری می‌رساند. در مرتبه بعد از قیده‌های مکان نیز، قیود «زمان» بسامد قابل توجهی دارند:

به شوق کعبه مقصود بال عشق گشودی
 همه یقین شدی و راه بر فسانه گرفتی
 به بال همت و آزادگی به اوج رسیدی
 تمام او شدی و فرّ جاودانه گرفتی
 بر این گذرگه شگرف جای پای تو دیدم
 شهید عشق شدی راه آن یگانه گرفتی (همان، ۲۷۳)
 سحر شکفتی و بر اوج نور لاله گرفتی
 غروب شعله‌کشان در شفق زبانه گرفتی
 چنان غریو کشیدی میان بستر گل‌ها
 که سُرّ خواب خوش از عطر رازیانه گرفتی (همان، ۲۷۲)
 زینب من ای رسول ظهر خون

آه ای بانوی دشت لاله‌گون
 انقلابی، انقلاب آورده‌ای
 در دل شب آفتاب آورده‌ای
 ای پرستار شب گل‌های وحی
 ای همه فریاد تو از نای وحی
 ای طیب درد بی‌درمان ما
 ای فدای تربت تو جان ما (همان، ۱۵۳)

- با غزالان غزل از دست‌های سرخ عشق / عطر آن گل‌های یکتا پیرهن آورده‌ایم (۱۳۸۹: ۸۶)
- خلسه پروانه بر سجاده گل‌های سرخ / بر گل سرخ دل ما نیش خاری دیگری است (۳۴)
- سینه سرخان مهاجر را هزاران داستان / لحظه پرواز از زندان تن آورده‌ایم (۸۶)

سپیده در موارد بسیار از اندیشه و پیام سالار شهیدان و یارانش سخن گفته و الهام گرفته است و در بیشتر موارد جبهه و جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را با قیام دشت نینوا مقایسه کرده و همانند دانسته است. استفاده از نمادهایی ساده و قابل فهم چون کربلا، مسجدالاقصی و غیره در جهت تقویت روحیه پایداری و مقاومت، که تضمین‌کننده شجاعت و دلاوری رزمندگان در برابر ستمگران است، در اشعار وی در موارد بسیار مشاهده می‌شود:

می‌رویم آری به سوی کربلا
 گر بارد ز آسمان ابر بلا
 تا به صبرا و شتیلا می‌رویم

تا دیار قدس اعلا می‌رویم (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

فرزند بی‌گناه فلسطین / تاریخ عشق از تو مصور

خون تو آن رسالت جاری است / هان، ای شهید پاک و مطهر

کای قبله نخست می‌آییم / ای قدس! قدس! قدس منور (همان، ۲۹۱)

سنگر خون، چشمه خون، شهر خون ای شفق از داغ غمت لاله‌گون

لحظه پیروزی توحید ماست سرخ گل تو گل امید ماست

(کاشانی، هزاردامن گل سرخ: ۵۲)

در مرتبه بعد از عناصر پیرامونی «مکان» و «زمان»، قیده‌های «کیفیت/ چگونگی» و «انگیزه» در موارد بسیار مشاهده می‌شوند. سپیده با هدف ترسیم چگونگی عروج/ شهادت و انگیزه‌های مقدس در جهت گام‌نهادن به این مسیر، از قیود ذکر شده بهره برده است:

ولی ای شهید سوگند به شطّ خون پاکت
 ز برای آنکه شبنامه دشمنان نویسم
 به مسلسل قلم جان چو گلوله می‌سپارم
 پس از این برای دشمن قلم است خنجر من
 همه قطره قطره خون من است جوهر من
 که زخم به سینه خصم زمان ابوذر من
 (همان، ۱۰۱)

سینه، پراز عطر عطا کرده‌ام
 بال و پر عشق به آتش زدم
 ران ملخ سوی سلیمان عشق
 آه بگویند که عباس را
 سیل زهر دیده رها کرده‌ام
 خویشتن خویش فنا کرده‌ام
 بردم اگر جسم فدا کرده‌ام
 عهد بدین گونه وفا کرده‌ام
 (سپیده کاشانی، سخن آشنا: ص ۱۵)

۶- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زمینه‌های کاربرد «تمثیل» در شعر سپیده کاشانی عبارت‌اند از: «تعیین و تغییر الگوهای اخلاقی و ارائه الگوهای جایگزین؛ خلق تداعی‌های قدرتمند در ذهن و ملموس و عینی‌سازی مفاهیم مرتبط با شهادت و غیره؛ تعلیم غیرمستقیم نکات اخلاقی و دینی؛ ساده‌سازی مفاهیم نامأنوس و تغییر چهارچوب معنایی یک مفهوم». با بررسی ساختار روایی تمثیل‌های به کار رفته در شعر سپیده کاشانی مشخص می‌شود که بیشترین مفهوم به کار رفته در آن‌ها مفهوم «شهادت» است. «تمثیل»‌های مرتبط با مفهوم «شهادت» در شعر وی، بیانگر «عروج روح» پس از مرگ به عالم بالا و نور است. کاشانی در بیشتر تمثیل‌های شعری خود، از تمثیل‌های حیوانی بهره گرفته و بیشتر از ویژگی «پرواز» و «در بند نبودن و عدم وابستگی پرندگان» اشاره داشته است. وی همچنین از ریشه اساطیری پرندگان در ادبیات فارسی نیز غافل نبوده و با استفاده از تجربه پیشینیان به حیوانات و به‌ویژه پرندگان، حیاتی معنوی بخشیده است. در شعر سپیده کاشانی، تمثیل اهداف، کاربرد و انواع متفاوتی دارد. غالب تمثیل‌های شعری وی در جهت ترغیب و تهیج جوانان و مادران، از نوع تاریخی و تمثیلی هستند. چهره‌هایی مانند امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت مریم (س)، حضرت عباس (ع) و یاران پیامبر از جمله ابوذر و عمار از شاخص‌ترین چهره‌های تاریخی هستند که در شعر سپیده در ساختار روایی تمثیل‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند. تمثیل «پرواز» یکی از تمثیل‌های پرکاربرد در ساختار متنی اشعار سپیده کاشانی است، در مرتبه بعد نیز مفاهیمی از قبیل «آتش، سوختن، شمع، پروانه و امثال این موارد، دستمایه این شاعر برای بیان تمثیلی و نمادین هستند. بطور کلی تمثیل‌های مذهبی بیشترین

کاربرد را در اشعار سپیده کاشانی دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ساختار متنی تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی از میان فرآیندهای ۶ گانه زبان از منظر فرانقش اندیشگانی، بیشترین بسامد به ترتیب متعلق به فرآیندهای «رابطه‌ای» و «مادی» است. با توجه به اینکه شعر وی در بستر گفتمانی تعلیمی - ترغیبی شکل گرفته است، وی ابتدا به توصیف و ابلاغ اندیشه مورد نظر خود پرداخته و سپس با هدف ترغیب و تهییج مخاطبان غالباً جوان خود، از فرایندهای مادی و کنشی که روحیه تعهد و قدرت‌طلبی را در مخاطب تقویت می‌کند، بهره گرفته است. در اشعار وی گاه مفاهیم ملموس و گاه مفاهیم انتزاعی و وظیفه انتقال اندیشه پایداری و دفاع از وطن را بر عهده دارند. شیوه نامدهی در شعر وی نیز در قالب عناصر طبیعی مانند گل‌ها «لاله، شقایق، گل سرخ» و رنگ‌ها «سرخ، سبز» شکل گرفته است. در تمثیل‌های شعری سپیده کاشانی، بیشترین عناصر پیرامونی متعلق به «مکان» هستند و شعر وی به توصیف با زبان تمثیل به توصیف مکان‌هایی مانند «کربلا»، «نینوا»، «فلسطین»، «کعبه مقصود»، «عرش» و امثال این موارد پرداخته است. اماکن مذهبی که جنبه تقدس دارند در این میان از بسامد بیشتری برخوردار هستند. کاربرد اماکن مذهبی به تهییج روحیه جوانان و هدف تعلیمی - ترغیبی نویسنده یاری می‌رساند. در مرتبه بعد از قیدهای مکان نیز، قیود «زمان» بسامد قابل توجهی دارند. در مرتبه بعد از عناصر پیرامونی «مکان» و «زمان»، قیدهای «کیفیت/ چگونگی» و «انگیزه» در موارد بسیار مشاهده می‌شوند. سپیده با هدف ترسیم چگونگی عروج/ شهادت و انگیزه‌های مقدس در جهت گام نهادن به این مسیر، از قیود ذکر شده بهره برده است.

۷- پیشنهادهای پژوهش

- با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که عناصر بلاغی و به‌طور خاص «تمثیل» می‌تواند در نوع ادبی دفاع مقدس با رویکردهای جدید زبان‌شناسی از جمله نظریه نقشگرایی هلیدی بررسی و تحلیل شود. این پژوهش و امثال آن می‌تواند مقدمه‌ای باشد بر انجام پژوهش‌هایی از قبیل:
- بررسی تطبیقی «تمثیل» در مجموعه اشعار شاعران زن در حوزه دفاع مقدس از منظر رویکرد نقشگرایی؛
 - مقایسه شیوه‌های بازنمایی «تمثیل» در اشعار دوره دفاع مقدس در رمان‌های مردان و زنان در این دوره با تکیه بر مفاهیمی از قبیل جهاد، شهادت و غیره؛
 - خوانش رمان‌های دوره دفاع مقدس از نظر پردازش «تمثیل» و شیوه‌های ارائه جزئیات در آن‌ها از دریچه نظام گذرایی.

منابع و مأخذ

۱. آروند، سمیه و همکاران (۱۳۹۷)، بررسی مؤلفه‌های تمثیلی رمان عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی از جمشید خانیان، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، د ۱۰، ش ۳۷: صص ۱۱۱ - ۱۲۷.
۲. ایشانی، طاهره و نعمتی قزوینی، معصومه (۱۳۹۲)، بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۲۷: صص ۶۵ - ۹۵.
۳. حسینی‌کازرونی، سیداحمد و همکاران (۱۳۹۵)، تمثیل پرواز در شعر دفاع مقدس، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، د ۸، ش ۲۷: صص ۲۵ - ۴۰.
۴. داد، سیما (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید. چ دوم.
۵. رضویان، حسین و احمدی، شیوا (۱۳۹۵)، «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائه جزییات داستان بر اساس دستور نقش‌گرا»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، د ۷، ش ۶ (پیاپی ۳۴): صص ۳۴۳ - ۳۷۰.
۶. رنجبر، لیلا و علیمی، ماندانا (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی تمثیل در اشعار محمود درویش و سیدحسین حسینی، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، د ۹، ش ۳۱: صص ۴۹ - ۶۵.
۷. ساعدی، امان (۱۳۸۹)، تحلیلی بر اشعار سپیده کاشانی، روزنامه ایران، ۲۱ اردیبهشت‌ماه: ص ۴.
۸. سیدنژاد، میرصادق (۱۳۸۳)، اختر برج ادب، گلبرگ، ۵۹: ۱۵۷.
۹. طاهری، فاطمه‌سادات (۱۳۹۸)، تحلیل محتوایی و ساختاری اشعار سپیده کاشانی، کاشان‌شناسی، د ۱۲، ش ۱: صص ۲۵۷ - ۲۸۶.
۱۰. غفاری، محسن (۱۳۸۴)، بانوی پروانه‌ها، کاشان، خاطرات قلم.
۱۱. فولادوند، مرجان (۱۳۷۳)، درآمدی بر سبک‌شناسی شعر جنگ، مجله شعر، ش ۲: ص ۳۲.
۱۲. قاسمی، حسن (۱۳۸۳)، صور خیال در شعر مقاومت، تهران: فرهنگ گستر.
۱۳. قاسمی‌فرد، محمد و همکاران (۱۳۹۹)، بررسی زمینه‌های کاربست تمثیل در مجموعه «دستور زبان عشق» از قیصر امین‌پور، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، د ۱۲، ش ۴۴: صص ۱۱۵ - ۱۳۱.
۱۴. کاشانی، سپیده (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، تهران: قلم ایران.
۱۵. مندنی‌پور، شهریار (۱۳۸۴)، کتاب ارواح شهرزاد (سازه‌ها و شگردها و فرم‌های داستان)، تهران: ققنوس نو.
۱۶. هراتی، سلمان (۱۳۸۸)، از آسمان سبز (مجموعه اشعار)، تهران: سوره مهر.
۱۷. هلبیدی، مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۳)، زبان، بافت، متن (ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناختی اجتماعی)، ترجمه محسن نوبخت، تهران: سیاه‌رود.

- Leech, G. 1983. Principles of Pragmatics, London: Longman.

References

- Arvand, Samieh and colleagues (2018), "Investigating the allegorical components of the novel 'Love Stories of Jonah in the Whale' by Jamshid Khanian", *Journal of Allegorical Studies in Persian Language and Literature*, Vol 10, No 37: pp 111-127.
- Eshani, Tahereh and Nemati Qazvini, Masoumeh (2013), "Examining coherence and cohesion in Surah Saff with a functionalist approach to linguistics", *Journal of the Iranian Society of Arabic Language and Literature*, No 27: pp 65-95.
- Hosseinikazarooni, Seyed Ahmad and colleagues (2016), "The allegory of flight in Sacred Defense poetry", *Journal of Allegorical Studies in Persian Language and Literature*, Vol 8, No 27: pp 25-40.
- (2018), "Investigating the allegorical components of the novel 'Love Stories of Jonah in the Whale' by Jamshid Khanian", *Journal of Allegorical Studies in Persian Language and Literature*, Vol 10, No 37: pp 111-127.
- Dad, Sima (2004), *Dictionary of Literary Terms*, Tehran: Marvarid. 2nd ed.
- Razavian, Hossein and Ahmadi, Shiva (2016), "A Look at the Role of the Author's Gender in Presenting Story Details Based on Functionalist Grammar", *Journal of Language Studies*, Vol 7, No 6 (Serial 34): pp 343-370.
- Ranjbar, Leila and Alimi, Mandana (2017), "A Comparative Study of Allegory in the Poems of Mahmoud Darwish and Seyed Hassan Hosseini", *Journal of Allegorical Studies in Persian Language and Literature*, Vol 9, No 31: pp 49-65.
- Saedi, Aman (2010), *An Analysis of Sepideh Kashani's Poems*, Iran Newspaper, May 21: p 4.
- Taheri, Fatemeh Sadat (2019), *Content and Structural Analysis of Sepideh Kashani's Poems*, *Kashanology*, Vol 12, No 1: pp 257-286.
- Ghaffari, Mohsen (2005), *Lady of Butterflies*, Kashan, *Memories of the Pen*.
- Ghasemi, Hassan (2004), *Figures of Speech in Resistance Poetry*, Tehran: Farhang Gostaran.
- Ghasemifard, Mohammad and colleagues (2020), *Investigation of the Fields of Allegory Application in the Collection "Grammar of Love" by Qeysar Aminpour*, *Quarterly Journal of Allegorical Studies in Persian Language and Literature*, Vol 12, No 44: pp 115-131.
- Fuladvand, Marjan (1994), *An Introduction to the Stylistics of War Poetry*, *Poetry Magazine*, No 2: p 32.
- Kashani, Sepideh (2010), *Collected Works*, Tehran: Qalam Iran.
- Mandanipoor, Shahriyar (2005), *The Book of Shahrzad's Spirits (Structures, Techniques and Forms of Storytelling)*, Tehran: Qoqnoos No.
- Herati, Salman (2009), *From the Green Sky (Collection of Poems)*, Tehran: Sooreh Mehr.
- Halliday, Michael and Hassan, Raqieh (2014), *Language, Texture, Text (Dimensions of Language from the Perspective of Social Semiotics)*, Translated by Mohsen Nobakht, Tehran: Siyharood.